

**گفتگوی نشریه آرش با هلمت احمدیان سردبیر نشریه جهان امروز  
و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کومه‌له**

**آرش: با تشکر از شما که دعوت ما را برای این گفتگو پذیرفتید. اولین سئوالی که می خواهیم با شما در میان بگذاریم این است که کلا وضعیت جمهوری اسلامی را بعد از انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی چگونه می بینید؟ سئوالات و نقطه نظراتی که پیرامون وضعیت جدید مورد بحث محافل سیاسی است برای شما و جریان شما چگونه است و شما خود چه تبیینی از وضعیت جدید و ساختار حاکمیت در دور جدید دارید؟**

احمدیان: سئولاتی از قبیل چه تغییراتی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی بعد از انتخابات بوجود آمده؟ میدانهای مانور محافظه کاران در عرصه داخلی و خارجی به چه شکل است؟ برخورد محافظه کاران با اصلاح طلبان و مردم از این پس چگونه خواهد بود؟ آیا آنها در فکر وضع موجود خواهند بود یا فشار و سرکوب را تشدید خواهند کرد؟ آیا حرکت های اعتراضی در جامعه در حال افت است یا گسترش؟ آیا دوره ای ثبات در راه است یا بحران سیاسی و اجتماعی به قوت خود باقی است؟ اروپا و آمریکا با حاکمیت نسبتا یکدست تر محافظه کاران چگونه راه خواهند آمد و ... مجموعه سئوالاتی هستند که مورد بحث و کنکاش تحلیلگران و مفسران اوضاع سیاسی ایران می باشند.

واقعیت این است که روندی که اکنون و بعد از انتخابات اخیر زیر ذره بین رفته، خیلی قبل از این مقطع شروع شده و در واقع آنچه در «انتخابات» مجلس هفتم اتفاق افتاد، ادامه طبیعی روندی بود که از مدتها پیش آغاز شده بود.

ولی آنچه مشخصا تغییرات این دوره را رقم می زند این است که جناح محافظه کار، اصلاح طلبان دورن مجلس را از میدان رقابت «انتخاباتی» حذف کرد و بدینوسیله توانست کرسی های مجلس را تا حدود زیادی به دست آورد. به این اعتبار آنچه می توان در نگاه اول مشاهده نمود این است که از این به بعد مراکز قدرت در جمهوری اسلامی همانگتر عمل خواهد کرد. ولی مسئله به این سراسستی نیز نیست چرا که اولا جناح بندی های تازه تری در خود مجلس و متعاقبا در کل حاکمیت در حال شکل گیری است و دوما این به هیچ عنوان به معنای پایان بحران جمهوری اسلامی نیست. عناصر پایه ای بحران کماکان به قوت خود باقی است.

## **آرش: منظورتان از عناصر پایه‌ای بحران چیست؟ مختصات این بحران چیست؟**

احمدیان: به نظر ما مختصات این بحران که رژیم عاجز از حل آن است، در کلی‌ترین خطوط خود دو نکته زیر است:

اول اینکه علیرغم اینکه این رژیم بیش از دو دهه است که حاکمیت سرمایه‌داران را به شدیدترین و بی‌رحمانه‌ترین اشکال سرکوب بر جامعه تحمیل کرده است، اما نتوانسته است به دلیل ساختارهای حقوقی، قضایی و سیاسی‌اش منافع بخش‌های مختلف بورژوازی ایران را به یکسان تامین کند و به این اعتبار نتوانسته به رژیم ایده‌آل بورژوازی ایران تبدیل شود. لذا آن بخش از اقشار بورژوازی که در قدرت نمایندگی نشده، به پشتوانه قدرت اقتصادی و به پیروی از لیبرالیسم غرب و در ضدیت با انقلاب کارگری و توده‌ای سعی کرده‌اند جمهوری اسلامی را در جهت منافع خود اصلاح و یا آن را با رژیم مورد دلخواه خود جایگزین کند. پدیده "دوم خرداد" تلاشی بود برای پاسخ به این مسئله، که همانگونه که همگان و حتی خود آنها نیز اینک پذیرفته‌اند و به آن اعتراف دارند این تلاش در سطح دولتی‌اش به بن بست و پایان عمر خود رسید.

و دوم اینکه رژیم در پاسخ به ابتدایی‌ترین خواستها و مطالبات اقتصادی و معیشتی توده‌های محروم و زحمتکش جامعه، بیکاری، تورم و ... ناتوان بوده و همه و همه این معضلات کماکان به قوت خود باقی و بی‌پاسخ مانده‌اند.

به این اعتبار بحران در جامعه به قوت خود باقی است و همگان سعی دارند در مصاف با آن راه حل خود را ارائه دهند.

## **آرش: گفتید همگان می‌خواهند راه خود را ارائه دهند! راه حل و طرح‌های رژیم در مصاف با**

### **این وضعیت که شما برشمردید چیست؟**

احمدیان: تا آنجا که به جناح محافظه‌کار رژیم برمی‌گردد، بر اساس فاکت و فیکورهای فراوان در دوره‌ای که گذشت این جناح نشان داد که از ظرفیت خود تطبیقی با روند اصلاح‌طلبی و یا حداقل تظاهر به دست گرفتن این پرچم را دارد و به سادگی حاضر نیست این مدال را بر گردن اپوزیسیون حکومتی خود بیاویزد. استراتژین‌های محافظه‌کاران به این رسیده‌اند که باید به نیازهای بورژوازی ایران جواب بدهند و اتفاقاً در دوره اخیر با اعتماد به نفس بیشتری بویژه در سیاست خارجی اهداف خود را پیش می‌برند. به این اعتبار تحت تاثیر تحولات منطقه از طرفی و یکدست شدن نسبی قدرت در حاکمیت بعد از روشن شدن نتایج "انتخابات" مجلس هفتم، موقعیتی برای رژیم فراهم شده که به مانورهای بیشتری برای گرفتن امتیاز پردازد. رژیم هم سعی کرده جریان‌ات ارتجاعی را در منطقه

تقویت کند و یا با تهدید فعالیت های اتمی وارد معامله شود و هم کوشیده با بخرج دادن انعطاف بیشتر رو به خارج (مذکرات و تلاش برای عادی کردن روابط با غرب و آمریکا) به رایزنی بپردازد. در عرصه داخلی از طرفی مانورهای را برای انعطاف از خود نشان می دهد و از طرفی شدت عمل بخرج می دهد، زمزمه سخت گیری هایی از قبیل سخت گیری در پوشش و حجاب و محدود کردن مطبوعات، سرکوب جنبش کارگری و کردستان و .... نمونه سقز و ..

### **آرش: مردم چی؟ عکس الملل مردم نسبت به این وضعیت چیست؟ دلسرد و ناامید شده اند، یا وضع به شکلی دیگر است؟**

احمدیان: وضعیت جدید کارگران و مردم فقیر و زحمتکش را بیشتر به خود متکی ساخته است. به نظر من مهمترین مشخصه دوره اخیر این است که مبارزه در جامعه عمیق تر شده است. جنبش و مبارزات پایینی ها، جنبش کارگری، مبارزات معلمان، ۱۸ تیر و مبارزات دانشجویی و .. همه و همه نشان از ظرفیت های بالای ستیزجویی آنهاست. بسیاری از چهره هایی که مدتی پیش جلودار صحنه بودند اکنون فرعی شده اند. اگر مدتی پیش کسانی مثل طبرزدی می توانستند اذهان را به خود معطوف کنند، اکنون به پشت صحنه رانده شده اند و جنبش اجتماعی در دورن جامعه چهره های جدیدی را به جلو صحنه می آورد. نمونه جنبش اول ماه مه امسال که به سرعت تعدادی از چهره های کارگری دستگیر شده در تظاهرات اول ماه مه سقز مانند (محمود صالحی و حکیمی و ..) وسیعترین و گسترده ترین حمایت های داخلی و جهانی را بدست می آورند. این نمونه ای از این روند است.

تعمیق مبارزه، سطح و استانداردهای جدیدی را فراروی جامعه قرار داده است و همه اینها مبارزه را به فاز دیگری برده است. در این فاز جریانات لیبرالی از آنجا که توان نمایندگی کردن رادیکالیسم پایینی ها را ندارند، بیشتر و بیشتر به حاشیه رانده می شوند. به این اعتبار جنبش کارگری و آلترناتیو چپ و رادیکال آن روندی است که پتانسیل تبدیل شدن به پرچمدار واقعی جنبش اعتراضی را دارد و این روندی است که هر روز بیشتر خود را می نمایاند.

### **آرش: اپوزیسیون و پوزیسیون داخل کشور چه؟ آنها چقدر از این اوضاع جدید تأثیر گرفته اند؟**

احمدیان: قبلا از اینکه مشخصا به سؤال شما جواب بدهم مایلم مرزبندی ای با تفکیک اپوزیسیون خارج و داخل بکنم. به نظر من این امر بیشتر نشان دهنده محل سکونت نیروهای اپوزیسیون است و اینکه در داخل مقیم هستند و یا در تبعید و در خارج کشور. در حالیکه خطوط اصلی اپوزیسیون، چه چپ و چه راست در خارج و داخل علیرغم تفاوت هایی در شکل و .. اهداف طبقاتی یکسانی را تعقیب می کنند. جایگاه اپوزیسیون را باید با افق و نمایندگی طبقاتی این جریانات سنجید تا با داخل و

خارج. بهر رو و علیرغم این توضیح، مانعی برای پاسخ به سؤال مشخص شما درباره اپوزیسیون مقیم در داخل کشور، نمی بینم.

اپوزیسیون داخل، ملی مذهبی‌ها، حزب مشارکت اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دوم خردادی‌ها و ... در یک دوره بر اساس توهمی که مردم کمابیش به آنها داشتند، در مقطعی کوتاه امکان بسیج توده‌ای را یافتند. که بر اساس ماهیت طبقاتی‌شان نتوانستند از این بسیج توده‌ای استفاده کنند، چرا که امکان از کنترل خارج شدن اوضاع از دست آنها، بیشتر از سلطه‌طلبی حریف حکومتی شان آنها را به هراس و میداشت.

این طیف، علیرغم تفاوت‌هایی که دارند، بطور کلی در بعد اجتماعی دیگر شانسی ندارد. اینها در آخرین مجال خود برای عرض اندام یعنی «انتخابات» مجلس هفتم نه از فیلتر محافظه کاران توانستند عبور کنند و نه از فیلتر مردم. چرا که به عنوان نمونه جامعه با بی‌اعتنایی به تحسن آنها در اعتراض به حذفشان از لیست کاندیداتوری برخورد کرد. این طیف دیگر قدرت بسیج مردم را ندارد.

امید بستن اینها به غرب و اروپا نیز در جریان «انتخابات» مجلس هفتم مشخص شد که ره به جایی نمی برد. چرا که جامعه اروپا اعتراضی به حذف آنها نکرد، بعکس کوشید که با حریفان آنان بسازد. موارد فراوانی از بهبود روابط اقتصادی بین اروپا و جمهوری اسلامی بعد از انتخابات وجود دارد. (فروش قطعات هواپیما و ...). غرب نیز دارد خود را با وعضیت جدید تطبیق می دهد.

با توجه به این واقعیات یعنی دور شدن بیشتر بالا و پایین از این طیف، آنها در موقعیت بسیار ضعیف‌تری نسبت به گذشته قرار گرفته‌اند و استراتژی کنونی‌شان تطبیق خود با اوضاع جدید، حفظ خود و دوری جستن از مصاف‌هایی که بیشتر از این، آنها را با انزوا ببرد، است. آنها تدریجاً دارند به گرایش نوپای «مستقل» درون مجلس دل می بندند و...

تنها عضوی از پیکر این طیف که کماکان به سیاق سابق کار می کند و آنها کماکان رویش مصممند، تلاششان برای کنترل رادیکالیسم پایینی هاست.

### **آرش: اپوزیسیون خارج کشور در چه وضعی بسر می برد؟ از نظر شما موقعیت و دورنمای**

#### **جریان‌های مختلف این اپوزیسیون چگونه است؟**

احمدیان: به نظر من سلطنت‌طلبان شانسی ندارند، چرا آنها که نمایندگی طبقه خاصی را در داخل را نمی کنند. اتکا و امیدشان برای رسیدن به قدرت امکانات ماهواره و تبلیغی وسیعشان، کودتا و هجوم نظامی آمریکا به عراق بود، که بسیاری از این رویاها و اتوپی‌ها در اوضاع سیاسی منطقه‌ای بی نتیجه ماند. و یاس و ناامیدی را برای اینان همراه آورده است.

طیف موسوم به جمهوریخواهان چه آنان که همایش برلین را پیش بردند و چه آنان که جذب این اتحاد نشدند و به صورت مستقل یا به صورت کنفرانس موازی در پاریس در تلاشند، علیرغم تفاوت‌هایی که در روش و شیوه و برنامه‌های خود با همدیگر دارند، نهایتاً هدفی یکسان را که تغییرات رفرمیستی و لیبرالی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است تعقیب می‌کنند. آنها این برنامه را حول شعارهای همچون «دمکراسی و جامعه مدنی»، «جدایی دین از دولت»، «توسعه پایدار اقتصاد» فورموله کرده‌اند و لیکن تعمق روی موارد و بندها و منشورها و پلاتفرم‌های طیف‌های مختلف جمهوریخواهان چیز زیادی بدست نمی‌دهد، چرا که به نظر من مشکل اساسی این جریانات بحران استراتژیک است. استراتژی این طیف رو به جامعه ایران پا در هواست. پلاتفرم و الگوی اینان بعنوان نمونه این است که جامعه‌ای مانند کشورهای غرب را در ایران بسازند. این استراتژی معلوم نیست به اتکا به چه طبقه اجتماعی‌ای در ایران می‌خواهد پروژه‌هایش را پیش ببرد و چه طبقه اجتماعی‌ای را نمایندگی می‌کند. سوسیال دمکراتها در اروپا به طبقه‌ای در جامعه خود متکی گردیدند و در دوران رونق اقتصادی، با اتکا به تکنولوژی پیشرفته توانستند در جوامع اروپایی الگوی سوسیال دمکراسی و مدل دولت رفا را بسازند. آنها چی؟ کدامیک از پارامترهای سوسیال دمکراسی غرب که خود هر روز در حال عقب نشینی است، در ایران امروز قابل تحقق است؟

در عصر گلوبالیسم و جهانی شدن سرمایه، به فرض وجود همه پارامترهای مورد نیاز جمهوریخواهان در ایران – که موجود نیست – چگونه و با اتکا به چه نیرو و طبقه اجتماعی پروژه آنها پیش می‌رود؟ در اروپا طبقه کارگر نیرو و پشتیبان رشد سوسیال دمکراسی در شرایط آزمون اروپا بود، در ایران این استراتژی را با چه نیرویی متحقق می‌کند؟

بحث و اختلاف نظر دیدگاه چپ با لیبرال‌ها مطلقاً روی مواردی همچون ضرورت جدایی دین از دولت، برابری حقوق مرد و زن، آزادی‌های دمکراتیک و ... نیست. چرا همه این نکات بدیهی‌ترین موارد پلاتفرم برنامه حداقل کمونیست‌ها هستند. بحث سر این است که با چه طبقه‌ای حتی این موارد در جامعه پیش می‌رود. رویدادهای چند سال اخیر، وجهه‌هایی از ناپیگیری جریانات اپوزیسیون لیبرال و اصلاح طلب را حتی برای پیشبرد بندهایی از این قبیل را به نمایش گذاشت.

### **آرش: وضعیت اپوزیسیون چپ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

احمدیان: تغییرات اجتماعی بر بستر اوضاع سیاسی کنونی و در شرایطی که همه بحران‌ها و تضادها در جامعه به قوت خود باقی است، در شرایطی که رژیم اسلامی می‌رود با بهره‌گیری از زبونی اپوزیسیون درون حاکمیت، پراکندگی و بی‌افقی طیف‌های مختلف اپوزیسیون داخل و خارج سناریوی

ارتجاعی‌ش را با بهره‌گیری از اوضاع منطقه پیش ببرد. تنها یک پاسخ رادیکال و چپ می‌تواند این روند را مانع گردد. این نیرو و پتانسیل بالقوه در جامعه ایران وجود دارد و چپ خود می‌تواند آن را به بالفعل در آورد.

رابطه داخل و خارج و تاثیر گذاری چپ (وحتی راست هم) مثل سابق نمانده است. فعالیت چهره های سوسیالیست و علنی کار، نشانه‌های چپی نوپا است. در همین چند ماه اخیر نمونه‌های درخشانی از پاگیری جنبشی عمیق طبقات کارگر و زحمتکش جامعه خود را نشان داده است.

چپ اکنون در جامعه ایران معنای اجتماعی و گسترده را در بر می‌گیرد. تا آنجا که به چپ کمونیست برمی‌گردد، ما خود را تنها جریان منحصر به فرد نمی‌دانیم و معتقدیم که بخشی از این جریان هستیم. که بویژه با توجه به نفوذ مادی و اجتماعی‌ای که در کردستان داریم، از موقعیت مناسبی برای تاثیر گذاری برخوردار هستیم.

چپ را در مفهوم کلی خود دیگر نمیتوان با استانداردهای کلاسیک و خط بندی‌های گذشته بازشناخت. «خط یک و خط دو و سه و چهار. بلکه چپ در جامعه کنونی ایران از نیازی اجتماعی و سیاسی که در بطن جامعه ایران معنای خود را باز می‌یابد و در پاسخ با این ایفای نقش در این اوضاع است که خود را پیدا میکند. ما در بطن این روند هستیم و خود را فعال این گرایش می‌دانیم و به این اعتبار بحث خودیابی چپ و هم‌نظری و هم‌نگری طیف وسیع‌تری از گرایش‌ها، جریانات و افراد مستقل چپ در پاسخ به مسائلی که اوضاع سیاسی ایران فرا روی چپ و کمونیستها قرار می‌دهد، در برنامه ماست و ما این فایل را کماکان باز می‌بینیم و به سهم خود برای اتحاد چپ ایران در ابعاد اجتماعی در تلاش هستیم.